

Original Paper **Analysis of the structure of the allegory of wisdom in the *Kheradnameh-ye Eskandari* Jami's**

Razeyeh Emami¹, Soraya Razaghi^{2*}, Maryam Majidi³

Abstract:

“Wisdom is one of the most important conceptual and lexical elements in the realm of Persian literature. It possesses both universal and introspective approaches in the poetry of sage poets and mystics, undergoing political, social, cultural, and linguistic evolution. Allegory is the language of truth, through which the pure beliefs and thoughts of sages and mystics become tangible for the audience. In this research, through a library-based method and an analytical-descriptive approach, the allegorical structure of wisdom in the *Kheradnameh-ye Eskandari* is analyzed. To achieve this, the divans of sage and mystic poets before Jami were examined to determine the difference between wisdom (*kherad*) and intellect (*aql*) and the evolution of these two concepts from a political, social, cultural, and linguistic point of view. In the second stage, how Jami explains, analyzes, and distinguishes the different types of wisdom in the form of allegory was presented. Finally, the allegory of different types of wisdom in *Kheradnameh-ye Eskandari* was analyzed. In Jami’s *Kheradnameh-ye Eskandari*, wisdom is a multifaceted concept that includes practical, ethical, theoretical, mystical, and political dimensions. It has both philosophical and mystical paths, and is expressed with a guiding function towards establishing justice.

Keywords: Wisdom (*kherad*), Allegory, Philosophical, Mystical, *Kheradnameh-ye Eskandari*, Jami.

PH. D student of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran. 4501148950@iau.ir

Associate Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran. s_razeghi@iau-tnb.ac.ir

Associate Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran. maryam_majidi@iau-tnb.ac.ir

Please cite this article as (APA): Emami, Razieyh, Razaghi, Soraya, Majidi, Maryam. (2025). Analysis of the structure of the allegory of wisdom in the Eskandari Kheradnameh Jami's. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature*, 17(63), 18-37.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 63/ Spring 2025

Receive Date: 19-01-2024

Accept Date: 21-02-2025

First Publish Date: 02-06-2025

مقاله پژوهشی تحلیل ساختار تمثیل خرد در خردنامه اسکندری جامی

راضیه امامی^۱، ثریا رازقی^۲، مریم مجیدی^۳

چکیده:

خرد یکی از مهمترین عناصر مفهومی و واژگانی در پهنه ادب فارسی و دارای رویکردی آفاقی و انفسی در شعر شاعران حکیم و عارفان است و دارای سیر تحول سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زبانی است. تمثیل نیز زبان حقیقت است و از این طریق عقاید و اندیشه‌های ناب حکما و عرفا جهت فهم مخاطب عینی می‌شود. در این پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و شیوه تحلیلی، توصیفی، به تحلیل ساختار تمثیل خرد در خردنامه اسکندری پرداخته شده است. و برای رسیدن به این منظور، دیوان شاعران حکیم و عارف قبل از جامی بررسی شد تا در مرحله اول تفاوت خرد و عقل و سیر تحول این دو مفهوم از نظر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زبانی مشخص شود. و در مرحله دوم، چگونگی تبیین، تحلیل و تمایز انواع خرد در قالب تمثیل توسط جامی بیان شد. و در نهایت به تحلیل تمثیل انواع خرد در خردنامه اسکندری پرداخته شده است. خرد، در خردنامه اسکندری جامی، مفهومی چندوجهی است که شامل ابعاد عملی، اخلاقی، نظری، عرفانی و سیاسی می‌شود که دارای دو سیر حکمی و عرفانی است با کارکرد هدایتگری در جهت برقراری عدالت بیان شده است.

کلید واژه‌ها: خرد، تمثیل، حکمی، عرفانی، خردنامه اسکندری. جامی.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال 4501148950@iau.ir

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال s_razeghi@iau-tnb.ac.ir

۳- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال maryam_majidi@iau-tnb.ac.ir

لطفاً به این مقاله استناد کنید: امامی، راضیه، رازقی، ثریا، مجیدی، مریم. (۲۰۲۵). تحلیل ساختار تمثیل خرد در خردنامه اسکندری جامی. *تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*. (۶۳)، ۱۷-۳۷.



حق مؤلف © نویسندگان.



ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره شصت و سوم / بهار ۱۴۰۴ / از صفحه ۳۷-۱۸.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۳

تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

مقدمه

خرد یکی از مهمترین عناصر مفهومی و واژگانی در پهنه ادب فارسی و دارای رویکردی آفاقی و انفسی در شعر شاعران حکیم و عارفان است در هر دو رویکرد خرد امری انتزاعی است. یکی از ویژگی‌های بارز تمثیل‌های خرد، عینی شدن آنها است. به این معنا که مفاهیم انتزاعی و ذهنی خرد، در قالب داستان‌ها، شخصیت‌ها، اشیاء و مکان‌های ملموس و قابل درک برای مخاطب به تصویر کشیده می‌شود. در این پژوهش، هدف اصلی، بررسی تمثیل خرد در خردنامه اسکندری است. و مشخص شد که جامی با تلفیق ماهرانه مضامین اسطوره‌ای، آیینی و عرفانی، تمثیل خرد را در خردنامه اسکندری به سطحی عمیق و چندبعدی ارتقا داده است. او نشان می‌دهد که خرد، نه فقط یک ویژگی ذهنی، بلکه نوری الهی، راهنمای سلوک معنوی، ابزار عشق و معرفت و راهی برای رسیدن به کمال است. علاوه براین، خرد، در خردنامه اسکندری جامی، مفهومی چندوجهی است که شامل ابعاد عملی، اخلاقی، نظری، عرفانی و سیاسی می‌شود. این انواع خرد در تعامل با یکدیگر، یک شخصیت خردمند و کامل را شکل می‌دهند و به مخاطب آموزش می‌دهند که چگونه می‌تواند در مسیر کسب حکمت و دانش گام بردارد.

بیان مساله

از ویژگی‌های اصلی هویت ایرانی، خردگرایی است. در ادبیات پهلوی که مجموعه‌ای از اندرزهاست، مضمون خرد مهمترین نکته اخلاقی محسوب می‌شود و حتی می‌توان گفت، ساختار تربیتی پندار، گفتار و کردار نیک از این پیشینه است. همانطور که ذکر شد، سیر تحول ادبیات موجب گستردگی مفهوم عقل و انواع آن در آثار حکما و عرفا شد. مفهوم و اصطلاح عقل و مشتقات آن غالباً در فلسفه یونانی، کلام اسلامی و اندیشه‌های صوفیانه پیوسته محل اختلاف بوده است. با مطالعه آثار شاعرانی مانند فردوسی، ناصر خسرو، سنائی و سایر عرفا و صوفیان تبیین خرد و عقل متباین است. (پارسانسب، ۱۳۸۸: ۲۶). براین اساس، خرد حکما، خردی کیهان محور است که بر همه شئون زندگی انسان حاکم است و به مدد آن به رشد و سعادت مادی و معنوی دست می‌یابد. و خرد عرفا، خردی دو وجهی، مذموم و ممدوح است. خرد ممدوح خردی است که تنها در امور جزئی نظر می‌دهد و خرد مذموم، خردی است که پا از حدود خود فراتر می‌نهد و در مورد مسائل هستی، انسان و جهان نظر می‌دهد. (دیناری، ۱۳۹۸: ۴). تمثیل در آثار شاعران و نویسندگان به عنوان برهان و دلیل فعلیت بخشیدن به افکار آنها به کار برده می‌شود و از این طریق مفاهیم ذهنی خود را در حد فهم و ادراک مخاطب بیان

می‌کند و از امور محسوس و قابل لمس برای القای اندیشه خود استفاده می‌کنند. (کریمی، ۱۳۹۷: ۲۰)، (محمدی، ۱۳۹۹: ۹۰) براین اساس، تمثیل تصویر حسی است که می‌باید امری را که غیرحسی است برای مخاطب به امر حسی نزدیک و قابل ادراک نماید. (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۲۵۱). و کارکرد تمثیل در دو دیدگاه قابل بررسی است. الف: قالبی برای تبیین مفاهیم ذهنی: شاعر یا نویسنده برای بهتر بیان کردن مفاهیم انتزاعی و عقاید اخلاقی و دینی به تصویر می‌کشد. به عبارت دیگر، در این نوع کارکرد تمثیل یک مطلب ذهنی را به یک مطلب عینی تبدیل می‌کند ب: تمثیل در حکم نوعی استدلال است که در خدمت ادبیات تعلیمی است (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲۷۳-۲۷۴).

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر در این است که نویسندگان برای اولین بار به تحلیل ساختار تمثیل خرد در این اثر ارزشمند با روشی متفاوت از سایر مقاله‌ها و رساله‌ها در زمینه ساختار تمثیل نوشته‌اند. نکته مهم قابل ذکر اینکه در نوآوری پژوهش توجه به جایگاه گفتمان تمثیل روایی تمثیلهاست که در این محور، مشابه به در تمثیل تحت عنوان لایه دوم، معنای تمثیل، درون مایه و.. نام برده شده است و ساخت تمثیل استعاره است که در آن مشابه به محذوف است و در تمثیل گفتمان توصیفی ساخت تشبیهی تمثیل را تضمین می‌کند.

پرسشهای پژوهش

در این پژوهش به تبیینی روایت‌شناسی از تاویل و تفسیر تمثیل خرد در خردنامه اسکندری پرداخته شده است تا اولاً ارتباط چندمعنائی و تفسیرپذیری داستانهای تمثیلی با ویژگیهای ساختاری آنها آشکار شود و ثانیاً، مشخص شود چندمعنائی در تفسیر داستان تمثیلی حاصل کدام فرایند روایی و توصیفی است؟ آنچه در این پژوهش مورد توجه است جایگاه تمثیل خرد در گفتمان روایی از نظر ساخت است.

پیشینه پژوهش:

در زمینه آثار جامی رساله‌ها، کتابها و مقالات بسیاری تدوین شده است. که از جمله آنها. (معتقد لاریجانی، ۱۳۹۷) در رساله واکاوی لایه‌های معنائی در تصویرگری نگاره‌های هفت اورنگ جامی بیان کرده است که هفت اورنگ جامی سرشار از موضوعات متنوع عرفانی، مذهبی و عامیانه است که

حرکات و شخصیت‌های انسانی از مهمترین عوامل تاثیرگذار است. (شعاعی، ۱۴۰۲) در مقاله آموزه‌های تمثیلی- تعلیمی در تحفه الابرار جامی به تبیین و بررسی مضامین تعلیمی از قبیل: تاکید بر علم اندوزی، توجه به اصول و فروع دین و... می‌پردازد و کمتر به مبحث تمثیل پرداخته است. (طاهری، ۱۴۰۰) در مقاله بررسی تناسب زبان و محتوای شعر عرفانی دوره تیموری براساس نظریه تمثیل آگویناس به بررسی هفت اورنگ جامی با تکیه بر مبحث وحدت وجود و شاخه‌های وابسته به آن پرداخته است. (حسام‌پور، ۱۳۸۸) در مقاله سیمای اسکندر در آینه‌های موجدار به بررسی شخصیت اسکندر در آثار نظامی، فردوسی و جامی پرداخته است و بیان داشته است که اسکندر دارای شخصیت والا، بانزاد و تاثیر گذار است. با مطالعه آثار قبل جامی، مقاله‌هایی در زمینه خرد نوشته شده است. مقاله مقایسه خرد در شاهنامه با متون ایرانی پیش از اسلام بر اساس زبان‌شناسی متن. (رضاپور مقدم، ۱۳۹۸) و بیان شده است که خرد امری اکتسابی و فطری است و با دو کارکرد نیک و بد معرفی می‌شود و مقاله دگرگونی جایگاه و ارزش خرد در آثار حکما تا آثار عرفا (دیناری، ۱۳۹۷) و نتیجه پژوهش، بیان شده است که در قرن چهارم و پنجم خرد حکمی بر متون حاکمیت بیشتری داشته و در قرن ششم و هفتم غلبه خرد عرفانی بیشتر بوده است. اما تاکنون در مورد جایگاه تمثیل خرد در خردنامه اسکندری مقاله یا کتابی نوشته نشده است.

روش پژوهش:

پژوهش پیش رو بنیادی و مطالعه‌ای نظری است که به شیوه کتابخانه‌ای. توصیفی انجام شده است. برای رسیدن به این منظور، دیوان شاعران حکیم و عارف قبل از جامی بررسی شد تا در مرحله اول تفاوت خرد و عقل و سیر تحول این دو مفهوم از نظر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زبانی مشخص شود. و در مرحله دوم، چگونگی تبیین، تحلیل و تمایز انواع خرد در قالب تمثیل توسط جامی بیان شد. حدود پژوهش خردنامه اسکندری جامی تصحیح آقای مرتضی- مدرس گیلانی ۱۳۳۷ کتاب‌فروشی سعدی مکتوب شده است.

چهارچوب نظری

خرد از نظر مفهومی و لغوی از دوران کهن تاکنون دارای معانی گوناگون است. از نظر مفهومی، از جمله؛ مفهوم پهلوی (xrat)، اوستا (xrata)، در هند باستان (krata). (هون و هوشبان، ۱۳۷۴: ذیل خرد). و از نظر لغوی، تعاریفی گسترده و متنوع مبتنی بر جنبه‌های دینی، سیاسی، فکری و فلسفی و

حتی سیاسی مطرح شده است. (به معنای عقل) است. (تبریزی، ۱۳۶۲: ذیل خرد). (درک، دریافت، فراست، هوش و دانش است. دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل خرد). مکاتب فرهنگی و فکری و همچنین شاخه‌های متفاوت علمی، تعریف‌های طبقه‌بندی شده خاصی در مورد عقل و خرد بیان کرده‌اند. در مطالعات فلسفی اسلامی و غربی معنا و مفهوم عقل و خرد و شاخه‌های متنوع آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از فلاسفه غرب، هراکلیت در اصول نه‌گانه خویش اصل وجود عقل را اینگونه بیان می‌کند، عقل، فرامانروای جهان است و همه امور عالم اعم از طلوع و غروب خورشید و آمد و شد فصلها به دست این نیرو است. ارسطو نیز عقل را به دو نوع فعال و غیرفعال تقسیم می‌کند و براین باور است که عقل فعال معلومات را به وجود می‌آورد و عقل منفعل از آن تاثیر می‌پذیرد. توماس آکوئینی؛ عقل فعال را روح جاودانه و برخی مانند ابن رشد آن را همان خدا دانسته‌اند. (ملکیان، ۱۳۷۷: ۳۶۸-ج ۱). فیلسوفان اسلامی نیز از منظر روانشناسی و الهیات عقل را مورد مطالعه قرار داده‌اند. عقل در الهیات، عقل اول یا نخستین موجودی است که آفریده شده است و سلسله مراتبی دارد. و عقل فعال همان عقل دهم است که در عالم ماده تاثیر مستقیم دارد. (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۰۰) و در روانشناسی یا علم النفس قدیم، خرد یکی از مراتب وجودی انسان است که تحت تاثیر عالم علوی است و بشر را راهنمایی می‌کند. و به دو نوع نظری و عملی تقسیم می‌شود. عقل نظری یا خرد قدسی که درای مراتب مختلفی است و در نهایت انسان به درجه‌ای می‌رسد که همه چیز را از نزد خود می‌داند. و عقل عملی نیروئی است که انسان با آن احکام عقل نظری را در امور جزئی تطبیق می‌کند. (صلیبا، ۱۳۶۶: ذیل عقل). در جمع بندی نظریه‌های مختلف فیلسوفان در مورد خرد بیانگر آن است که خرد نیروئی در وجود انسان است که خوبی، بدی، نقص و کمال اشیاء را درک می‌کند. (دلپذیر، ۱۳۹۶: ۵). تاکنون مشخص شد که خرد امری ذهنی است و دارای دو ساختار آفاقی و انفسی یا حکمی و عرفانی است و براین اساس حکما و عرفا برای تشریح این امر ذهنی از عناصر ادبی چون تمثیل جهت عینی کردن و توضیح و تفسیر آن استفاده کنند. پس تمثیل یکی از روشهای بیان غیرمستقیم معانی و اندیشه‌های شاعر یا نویسنده است که به دو شکل کوتاه و گسترده تقسیم می‌شود و از این رو به دو بخش تمثیلهای داستان روایی (فابل، پارابل و تمثیل رمزی) و به صورت تمثیلهای توصیفی شامل تشبیه تمثیلی، اسلوب معادله، ارسال المثل و استعاره تمثیلی ذکر شده‌اند. و هر دو دارای کارکرد بلاغی، استدلالی، منطقی و قیاسی هستند. (وفائی، ۱۳۹۹: ۲۸۰). خرد و دانائی در همه ادوار کهن تاکنون مورد ستایش قرار گرفته است. در اندیشه‌های هندودائی ایزد خرد، آسورائی (بی نام) که با گذر زمان فراموش شده است. (بویس، ۱۳۷۴: ۵۷-۶۰). در اسطوره‌های کهن بین النهرین خدای خرد انکی، و در مصر باستان، خدای

توث که ثبت احوال گذشتگان. در یونان آتنا و ودر آیین زرتشت، اهورامزدا خدای خرد و جانبخش است. (ناس، ۱۳۷۲: ۴۵). به طور کلی، برای تحلیل انواع خرد و بخصوص تمثیل خرد به انواع خرد، خرد به خردسیاسی، اخلاقی، عرفانی، عملی، همه آگاه از هر دو منظر حکمی و عرفانی نیاز است. (موسوی، ۱۳۹۵: ۱۰۰).

بحث و بررسی

خردنامه اسکندری داستان تمثیل روائی رمزی، پارابل و فابل که دارای روساخت و ژرف ساختی است که هدف و غرض اصلی گوینده در ژرف ساخت داستان تمثیل «سفر بودن زندگی» بیان شده است و براساس آنچه این نوع داستانها بیان می‌شود رمزی است و دارای ابهام زمانی و مکانی است و در هاله معما و راز است. در حقیقت شاعر تمثیل را جهت کتمان حقیقت آگاهانه عمل می‌کند و خواننده در کشف رمزها و دریافت معنای مکتوم گمراه نمی‌گردد. (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۲۲۹). در داستانهای تمثیلی چنانچه ذکر شد لایه دوم از فضای گفتمانهای اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و عرفانی برآمد و از معنایی ورای لایه ظاهری داستان است که به شکل موازی و بالقوه فرا روی مخاطب قرار میگیرد. ویژگی خاص داستان روائی خردنامه وحدت بنیادین میان رویدادها است که بیانگر کلیت و هماهنگی گزاره‌ها است. و دوم اینکه طرح کلی برپایه یک تغییر روائی استوار است و این تغییر روائی بیانگر مراحل چون ابتدا، میانه و انتها نامگذاری می‌شود.

شناسای تاریخهای کهن ————— چنین رانده است از سکندر سخن

که مشاطه دولت فیلقوس ————— چو آراست روی زمین چون عروس

زدمسازی این عروسش به بر ————— خدا دادپیرانه سر یک پسر

(جامی، ۱۳۳۷: ۹۳۰)

جامی به عنوان صاحب صوری داستان، ضمانت اجرایی و بقای آن را در فراآگاهی «شناسای تاریخهای کهن» طلب می‌کند که خود عاملی است، جهت ایجاد روابط منظم و لایه‌های جهان بینی میان عامل

داستان و پادشاه و یک دیگری برتر (پیر فرزانه و یا شناسای تاریخهای کهن). به زیباترین شکل ممکن خود را بروز می‌دهد.

چوبگذشت سال وی از هفت و هشت و زو فرشاهی فروزنده گشت

پدر صاحب عهد خود ساختش به تاج کیانی یرافراختش

چو بیعت گرفتش زگردنکشان به سرچشمه علم دادش نشان
(جامی، ۱۳۳۷: ۹۳۰)

و در ادامه ضمن طرح اینکه برای هر پادشاهی لازم است که حکیمی فرزانه و خردمند یا پیری که خود از مراحل سلوک و تزکیه نفس عبور کرده باشد تا بتواند جانشینی تربیت کند که هم جانشین خدا بر زمین جهت اجرای عدالت باشد و هم وارث شایسته‌ای برای پدرش. همین امر موجب می‌شود تا فرایند ساخت پیرنگ داستان نه به مثابه یک برنامه‌روایی که به عنوان ساخت تمثیل روائی استعاری دریافت شود و همین امر سیالیت و پویایی که در ساخت جهان‌بینی بدان اشاره می‌شود را همواره دریافتنی می‌کند.

فرســـــتادپیش ارسطالـــــش که گردد زنا بخردی حارســـــش

بـــــوی داد پیغام کای فیلســـــوف که خورشید تو رسته است از کسوف

اگر در جهان نبـــــود آموزگار شود تیره از بیخرد روزگار (همان، ۹۳۲)

تمثیلهایی که جامی برای خرد به عنوان پیر و راهنما برگزیده است «خرد/ فر مانند تاج»، «خرد مثل آفتاب»، «حکمت مثل چراغ»، «پیر مثل چراغ». و اینگونه تمثیل فرهمند بودن پادشاه و هدایتگر پیر واقعی را بخوبی نشان می‌دهد. از آنجاکه فر بیشتر جنبه درونی دارد، یعنی؛ «فره‌وشی» یا «فره ایزدی» ودیعه‌ای الهی است که در ابتدا به صورت آتش مینوی در وجود پیش نمونه انسان نخستین نهاده شده است تا وظایف اهورامزدا را در جهان گیتی به اجرا درآورد و پس از آن فر ایزدی با تبدیل به فر

کیانی، به صورت استعداد، خرد و قدرت درونی نمود پیدا می‌کند که درخردنامه (تبدیل اسطوره به حماسه) به اشکال مادی (تخت، تاج، نور و...) نمود ملموس عینی می‌یابد. (سودآور، ۱۳۸۳: ۸۳).

ارسطالس این نکته‌ها چون شنود به درس سکندر زبان را گشود
به حکمت چراغ دل افروختش ره حل هر مشکل آموختش
شد از گردش چرخ دیرین اساس حقایق پذیر و دقایق شناس
(جامی، ۱۳۳۷: ۹۳۵)

همانطور که ملاحظه شد اسکندر به عنوان سالکی الهی به یاری پیر دانا و رهشناس از راه معرفت و درک بزرگی خداوند یک حقیقت شناس واقعی شد. و این حالت را جامی، تحت عنوان (زدانش پژوهی خدا را شناخت) بیان می‌کند. و در ادامه پس از آنکه در زمان مرگ پدرش در حضور بزرگان از هر نظر شایستگی جانشینی اسکندر تایید می‌شود. خطبه‌ای که اسکندر پس از جانشینی پدر می‌خواند، خطبه اجرای عدالت (نظم کیهانی و اخلاقی) است که هر چیز باید در جایگاه خود قرار گیرد و دست کافران از جهان کیهان خدیو کوتاه شود. و در جهان هر نوع بدی از بین برود و بعد از آن به خوشی جهان را می‌گذاراند، یعنی؛ تنها فقط در صورت رضایت خداوند است که شاه می‌تواند موجب آبادی جهان و آسایش موجودات باشد. همانطور که ذکر شد، اسکندر در خردنامه یک شاه آرمانی است که با فر و خرمنندی همزاد است. که با راستی و درستی که نتیجه تعادل و اراده خواست و تدبیر اشون در طول و تقدیر خداوند است، اسکندر نیز فرهمند خردورز است.

چنین گفت دانشور روم و روس که چون رخت بر بست از جهان فیلقوس
سکندر برآمد به تخت بلند صلائی به بالغ دلان درفکند
بجویید از بهر خدود مهتری کرم پروری معدلت گستری (جامی، ۱۳۳۷: ۹۳۶)

در خردنامه اسکندری جامی بیش از هرچیز بر حکمت اندوزی و خردورزی اسکندر تاکید شده است. چون او از حکیمان برجسته زمان خود می‌خواهد که برایش خردنامه‌ای تدوین کنند تا خود و دیگران از آنها در سفر زندگی بهره گیرند. و این هفت خردنامه در حقیقت هفت مرحله معرفت و شناخت و سیر و سلوک است. که همان شناخت انفسی و خرد حکمی است و دلیل رفتن اسکندر به فتح در حقیقت تمثیلی از پاکسازی درون و سفر معنوی یا همان خرد آفاقی و عرفانی است که در هر سفر و فتح یکی از این خردنامه‌ها اسکندر را یاری می‌کنند. و در خردنامه اسکندری جامی، اسکندر تمثیلی از یک پادشاه آرمانی، دانش‌دوست و مهرورز است تا پادشاهی فاتح و گشورگشا. و دارای الزامات و ویژگیهای شاه‌آرمانی به شرح زیر می‌باشد. ۱: الزامات داشتن قدرت موثر و بصیرت ذهن جهت اعمال قدرت سیاسی و معنوی، آیین درک معنای ارته یا « اشه » و منظور درک نظم خاص حاکم بر عالم وجود است. و سلطان و حاکم باید با این نظم آشنا باشد ۲- ویژگی: الف: نژاد ب: گوهر به معنای استعداد است. یعنی؛ تواناییهایی که بتواند مسئولیتهای پادشاه را انجام داد. که عبارت است از خردورزی. زیربنایی‌ترین عنصر هویتی شاه «خرد» است که در اسکندنامه از هفت فیلسوف خواسته است تا خرد را برای او توصیف کنند. همانطور که در خرد نامه‌ها توصیه شده است از ویژگیهای مهم پادشاه علاوه بر خردورزی، جوانمردی که شامل بخشش، بزرگ‌منشی است. به راستگویی و وفاداری به عهد، دادگری و عدالت و در نهایت خویش‌داری و رعایت اعتدال و اندیشیدن در هر کاری را از ویژگیهای پادشاه آرمانی و فرهمند ذکر کرده‌اند. (تهامی، ۱۳۹۷: ۴۹-۵۵). هفت استاد خردمند در خردنامه اسکندری جامی، این بخش از اثر، یکی از بخش‌های کلیدی و مهم است که جامی در آن، به تجلی خرد در قالب شخصیت‌های حکیم و فرزانه پرداخته است. این هفت استاد خردمند، هر کدام به نوعی، نمادی از ابعاد مختلف خرد هستند و آموزه‌های ارزشمندی را به اسکندر و خواننده ارائه می‌دهند.

۱. حکیم اول (معلم اخلاق):

این حکیم، تمثیلی از خرد عملی و اخلاقی است. او به اسکندر می‌آموزد که چگونه رفتار درست داشته باشد، چگونه بر نفس خود غلبه کند و چگونه با دیگران به نیکی رفتار کند. و بیانگر خرد اخلاقی است که مباحثی چون عدالت و انصاف، تشخیص درست و نادرست و عمل بر اساس اصول اخلاقی تواضع و فروتنی و صبر و بردباری اشاره دارد. (موسوی، ۱۳۹۵: ۱۰۵) اسکندر در مقام یک حاکم، با

رعایت عدالت و انصاف، این نوع خرد را به نمایش می‌گذارد. در برابر خردمندان و پیران، با فروتنی برخورد می‌کند. اسکندر در طول سفرهایش بردباری و صبر زیادی از خود نشان می‌دهد.

ترحم کن و عفو بخشش نمای که اینها رسیدت زفضل خدای

گراصلاح خلق جهان بایدت دل از هر بندی برکمران بایدت

مشو غره حسن و گفتار خویش نکوکن چو گفتار، کردار خویش (جامی، ۱۳۳۷: ۹۳۹)

در مورد اهمیت اخلاق، فروتنی، بخشش و دوری از غرور و خودپسندی سخن می‌گوید. او بر این باور است که خرد واقعی، در عمل نیک و کردار پسندیده متجلی می‌شود. خرد در اینجا به عنوان یک نیروی تربیت کننده و سازنده شخصیت، ظاهر می‌شود. این خرد، به انسان کمک می‌کند تا بر امیال خود کنترل داشته باشد و زندگی اخلاقی و معناداری را دنبال کند.

۲. حکیم دوم (حکیم سیاسی):

این حکیم، تمثیلی از خرد سیاسی و تدبیر کشورداری است. او به اسکندر می‌آموزد که چگونه یک کشور را به خوبی اداره کند، چگونه با عدالت و انصاف حکومت کند و چگونه روابط خوب با دیگر کشورها برقرار کند. در مورد اهمیت قانون، عدالت، مشورت، حفظ امنیت و رفاه مردم سخن می‌گوید. خرد سیاسی، حکومت‌داری، این نوع خرد به توانایی اداره امور کشور، ایجاد عدالت و رفاه برای مردم و حفظ امنیت و ثبات رهبری و مدیریت، اشاره دارد و همچنین، خرد سیاسی، شامل توانایی رهبری و مدیریت افراد، گروه‌ها مشورت و خرد جمعی است. (ارسطو، ۱۳۶۹: ۳۰۰).

به پای فراست برآگرد خویش به چشم کیاست بین گرد خویش

مکن همنشینی به هر بدسرشت که گیرد ازو طبع تو خوی زشت

چو دشمن به دست تو گردد اسیر از او سایه دوستی وامگیر (جامی، ۱۳۳۷: ۹۴۳)

او بر این باور است که خرد واقعی، در تدبیر امور و اداره صحیح جامعه، جلوه می‌کند. خرد در این بخش، به عنوان یک نیروی سازمان دهنده و اداره کننده ظاهر می‌شود. این خرد، به پادشاه کمک می‌کند تا سیاست‌هایی کارآمد و عادلانه را اتخاذ کند و جامعه‌ای آباد و پیشرفته را ایجاد کند. اسکندر به عنوان یک حاکم، این نوع خرد را به خوبی به کار می‌گیرد در سفرهایش به عنوان یک رهبر، این نوع خرد را به نمایش می‌گذارد. این نوع خرد شامل اهمیت مشورت با افراد آگاه و خردمند در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. با مشورت با خردمندان، تصمیمات بهتری می‌گیرد.

۳. حکیم سوم (حکیم جستجوگر):

این حکیم، تمثیلی از خرد معرفت نفس است، مقدمه‌ای برای معرفت خدا تلقی می‌شود. و نشان می‌دهد که خرد، انسان را به شناخت حقیقت وجودی خود و شناخت نقص‌ها و کاستی‌هایش رهنمون می‌کند. و بیانگر خرد نظری که این نوع خرد به کسب دانش و آگاهی از طریق مطالعه، تحقیق و تفکر اشاره دارد. شامل درک مفاهیم عمیق فلسفی و حکمت است. این نوع خرد به درک قوانین جهان و جایگاه انسان در هستی اشاره دارد. (موسوی، ۱۳۹۵: ۲۰۰). اسکندر به دنبال کسب دانش از طریق سفر، مطالعه و دیدار با دانشمندان است. در گفتگو با خردمندان و حکیمان، به دنبال فهم این مفاهیم است. اسکندر در طول سفرهایش به دنبال درک این مفاهیم است.

بسا دست کوتاه زبی مایگی که دارد ز حکمت فلک پایگی

بدین حال با حکمت اندوزیت سلوک عمل گرشود روزیت

بری کوی دولت زهم پیشگان شوی سرور حکمت اندیشگان
(ج. ۱۳۳۷: ۹۴۷)

و با استفاده از مضامین عرفانی، سیر و سلوک معنوی را به تصویر می‌کشد که خرد، انسان را در این مسیر یاری می‌کند و او را از موانع و دام‌های نفسانی عبور می‌دهد. در این مفهوم، خرد به عنوان راهی برای درک وحدت هستی و اتحاد انسان با خداوند معرفی می‌شود. و از نظر سقراط دانائی تمثیلی است که با پرسشگری و حقیقت‌جویی منجر به شناخت منطقی و درک حقیقی از زندگی خواهد شد.

۴. حکیم چهارم (حکیم طبیعی):

این حکیم، تمثیلی از خرد علمی و دانش طبیعت است. او به اسکندر می‌آموزد که چگونه جهان را بشناسد، چگونه از رازهای طبیعت آگاه شود و چگونه از دانش خود برای بهبود زندگی انسان‌ها استفاده کند. از معروفترین تمثیلهای او مقایسه بدن انسان به یک باغ است. و براین باور است که خرد و سلامتی رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند. خرد عملی، تدبیر و سیاست، مهارت حل مسئله و سازگاری با شرایط است. این نوع خرد به توانایی اداره امور، سیاست‌گذاری و اتخاذ تصمیمات درست در زندگی روزمره و امور حکومتی اشاره دارد. (محمودی، ۱۳۹۳: ۱۶۰) اسکندر به عنوان یک حاکم خردمند، این نوع خرد را به خوبی به نمایش می‌گذارد. در سفرهای اسکندر و مواجهه با موانع مختلف به چشم می‌خورد. و در طول سفرهایش با شرایط گوناگونی روبرو می‌شود و با خرد خود به خوبی با آن‌ها سازگار می‌شود.

مزن پشت پا بخت فیروز را به قسمت سه کن هرشبان روز را

یکی را به تحصیل دانش گزار که بی دانشی نیست جز عیب و عار

به دانش شو اندر دوم کارگر سیم را به بی دانشان بر سپر (جامی، ۱۳۳۷: ۹۵۲)

۵. حکیم پنجم (حکیم منطق محور):

این حکیم، تمثیلی از خرد منطقی است. او به اسکندر می‌آموزد که چگونه فکر منطقی داشته باشد، چگونه مسائل را حل کند و چگونه از استدلال برای رسیدن به حقیقت استفاده کند. برخی از مفاهیم هندسی به صورت رمزی به کار می‌روند. (تفضلی، ۱۳۸۵: ۱۷۰). برای مثال، دایره ممکن است نمادی از کمال و وحدت باشد. خرد به عنوان چراغ راه در سراسر داستان، خرد به عنوان چراغی در تاریکی‌ها و ابهامات، اسکندر را هدایت می‌کند. او با بهره‌گیری از خرد، تصمیمات درست می‌گیرد، از اشتباهات اجتناب می‌کند و به موفقیت‌های بزرگ دست می‌یابد. این تمثیل نشان می‌دهد که خرد، ابزاری ضروری برای رهبری و مدیریت است. خرد به عنوان قدرت تشخیص خرد به اسکندر کمک می‌کند تا حقیقت را از دروغ، دوست را از دشمن و خیر را از شر تشخیص دهد. این قدرت تشخیص به او امکان می‌دهد تا در مواجهه با مشکلات و چالش‌ها، راه‌های مناسب را پیدا کند و بهترین تصمیمات را بگیرد.

زمانی چراغ خرد برفروز بیین در فروغش عملهای روز
 که روز تو در نیک و بد چون گذشت در اشغال روح و جسد چون گذشت
 مکن چون فرومایگان دل گران ز حاجت روائی حاجت وران (جامی، ۱۳۳۷: ۹۷۰)

عدالت و انصاف در برابر اعمال خود و حسابرسی نفس خویش و حسابگری اعمال و رفتار و کردار این رفتارها، مفهوم عدالت را برای مخاطب ملموس می‌سازد. تواضع و فروتنی، در مقابل، شخصیت‌هایی که مغرور و خودخواه هستند، به عنوان مثال‌هایی منفی از عدم تواضع به تصویر کشیده می‌شوند. به این ترتیب، مفهوم تواضع با مقایسه بین این شخصیت‌ها، برای مخاطب عینی می‌شود. بردباری و صبر در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها، این فضائل به صورت عینی در رفتار به نمایش گذاشته شوند.

۶. حکیم ششم (حکیم الهی):

این حکیم، تمثیلی از خرد الهی و عرفانی است. او به اسکندر می‌آموزد که چگونه به واسطه شکر، صداقت، شجاعت و عدالت به خدا نزدیک شود، چگونه به معرفت نفس دست یابد و چگونه به کمال معنوی برسد. او در مورد اهمیت تقوا، بندگی خدا، عشق الهی، معرفت نفس و سیر و سلوک معنوی سخن می‌گوید.

عبادتگران خدا نا شناس چو گردن نهاده گاونده و گردن خراس
 ندانند دل هیچ دانشوری سخن را به از راستی زیوری
 در این همه پیشه درنگی مکن ز شیرینی زنی دم پلنگی مکن (جامی، ۱۳۳۷: ۹۵۹)

او بر این باور است که، خرد به عنوان نیروی اعتدال خرد به عنوان نیرویی متعادل‌کننده نیز به کار رفته است. اسکندر با بهره‌گیری از خرد، از زیاده‌روی‌ها، خشونت‌ها و بی‌عدالتی‌ها پرهیز می‌کند. این تمثیل نشان می‌دهد که خرد نه فقط قدرت تشخیص، بلکه توانایی کنترل و مهار نفس نیز هست. خرد به عنوان عامل پیشرفت و توسعه، اسکندر با استفاده از خرد، نه تنها فتوحات نظامی انجام می‌دهد، بلکه به پیشرفت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی نیز توجه می‌کند. او به دنبال ساختن جهانی بهتر و

آبادتر است و از خرد به عنوان ابزاری برای تحقق این هدف استفاده می‌کند. در مورد اهمیت خرد و استدلال سخن می‌گوید. او بر این باور است که خرد واقعی، در توانایی تفکر منطقی و حل مسائل پیچیده، آشکار می‌شود. خرد در این بخش، به عنوان یک نیروی تحلیلی و حل‌کننده مسائل، خود را نشان می‌دهد. این خرد، به انسان کمک می‌کند تا با منطق و استدلال، به درک عمیق‌تری از جهان دست یابد. در رسیدن به معرفت الهی و کمال معنوی، تجلی می‌کند. خرد در اینجا به عنوان یک نیروی تعالی‌بخش و الهام‌بخش ظاهر می‌شود. این خرد، به انسان کمک می‌کند تا از تعلقات دنیوی رها شود و به حقیقت وجود خود دست یابد. (محمودی، ۱۳۹۵: ۲۱۵).

حکیم هفتم (حکیم جامع):

این حکیم، نمادی از خرد جامع و کلی است. او به اسکندر می‌آموزد که چگونه از همه ابعاد خرد بهره ببرد، چگونه بین علم و عمل، دنیا و آخرت تعادل برقرار کند و چگونه زندگی سعادتمندانه‌ای داشته باشد. در مورد اهمیت هماهنگی و تعادل بین تمام ابعاد خرد، اهمیت استفاده از همه ظرفیت‌های انسانی، و اهمیت زندگی سعادتمندانه در دنیا و آخرت سخن می‌گوید. خرد حقیقی یا خرد عرفانی، شهود و اشراق: این نوع خرد به کسب دانش از طریق شهود و اشراق و ارتباط مستقیم با عالم غیب اشاره دارد. عشق الهی: خرد عرفانی شامل درک عشق الهی و اتصال به خداوند است. فنا و بقا: این نوع خرد شامل درک مفهوم فنا شدن در ذات الهی و بقا یافتن در اوست. (تفضلی، ۱۳۸۵: ۱۲۰). خرد عرفانی، در جامع‌نگری و ایجاد تعادل، خود را نشان می‌دهد. خرد به عنوان موهبتی الهی است که خداوند به انسان‌های برگزیده عطا می‌کند. اسکندر به عنوان فردی خردمند، مورد عنایت خداوند قرار می‌گیرد و به او قدرت و توانایی‌های ویژه‌ای بخشیده می‌شود. این تمثیل نشان می‌دهد که خرد، یک ویژگی ذاتی نیست، بلکه یک موهبت الهی است که باید قدر آن را دانست. به طور کلی، خرد در خردنامه اسکندری، نه تنها یک ویژگی فردی، بلکه یک نیروی جهانی و هدایتگر است که نقش بسیار مهمی در زندگی و فتوحات اسکندر ایفا می‌کند. این اثر، مخاطب را به اهمیت خرد در زندگی و ضرورت بهره‌گیری از آن در تمامی ابعاد وجودی آگاه می‌سازد.

چو و دین بایدت رخ زدنیا بتاب کز آبادی این شود آن خراب

نیاید ز یک دست کردن دو کار شاید به یک دل گرفتن دو یار

نیاراسسته دل به فضل و ادب مکن زینت جامه و جاطلب (جامی، ۱۳۳۷: ۹۶۱)

دیدار اسکندر با خضر، در برخی از داستان‌های رمزی نمادی از دستیابی به این نوع خرد است. هفت استاد خردمند در خردنامه اسکندری جامی، هر کدام به نوعی، تمثیلی از ابعاد مختلف خرد هستند. آن‌ها خرد را به عنوان یک نیروی چندوجهی، پویا و جامع به تصویر می‌کشند که در عرصه‌های مختلف زندگی، از اخلاق و سیاست تا علم و عرفان، کاربرد دارد. این هفت استاد، آموزه‌های ارزشمندی را به اسکندر و خواننده ارائه می‌دهند و آن‌ها را به سوی کسب خرد و رسیدن به کمال، هدایت می‌کنند. خرد در اینجا نه فقط یک مفهوم نظری، بلکه یک راهنما و ابزار برای زندگی بهتر، حکومت عادلانه‌تر و رسیدن به کمال معنوی است. نکته مهم این است که این انواع خرد در هفت خردنامه خردنامه اسکندری، نه به صورت جداگانه، بلکه در تعامل با یکدیگر مطرح می‌شوند. به این معنا که یک حاکم خردمند، هم باید خرد عملی داشته باشد تا بتواند امور را به خوبی اداره کند، هم خرد اخلاقی داشته باشد تا عادل و منصف باشد، هم خرد نظری داشته باشد تا آگاه و دانا باشد و هم ممکن است از خرد عرفانی نیز بهره‌مند باشد تا به حقیقت دست یابد. در ادامه داستان فتح و گشایش اسکندر براساس خردنامه‌هایی که خواسته بود داستانها پیش می‌رود. و تمثیل‌های زیبایی بیان می‌کند. اسکندر پس از دریافت خردنامه‌ها بسوی مغرب شتافت و به زنگبار رفت. زنگ مصری را آئینه آن سرزمین پاک کرد. و پس از آن به سپاه دارا رفت و پس از شکست دارا به شمال رفت و از شمال بر شرق برآمد. پس بحد جنوبی راند و به مغرب بازگشت. و پس از آن چین، روم، روس، هند و خوارزم و دیدار با حکیمان تمام سرزمینهای فتح شده و همچنین دیداری با خضر داشت. و در نهایت اسکندر پس از فتح و جهانگشائی و دیدار حکیمان بسیار قصد بازگشت به سرزمین خود را دارد که در میانه راه زیر درختی استراحت می‌کند و سروش بر او نازل می‌شود که زمان مرگ تو فرا رسیده است. او در خواست نوشتن وصیت می‌کند و برای مادرش می‌نویسد که همه دنیا را فتح کردم اما از مرگ نتوانستم رهایی یابم. دستان من را از تابوت بیرون گذارید تا همه بدانند که در سفر زندگی هیچ چیز جز اعمال با خود نبردم و برای کسب این دنیای فانی تلاش بیهوده نکنید و پارسا و خداشناس باشید. همانطور که ملاحظه شد در حکایت‌های پارابل خردنامه اسکندری دو لایه معنایی ژرف ساخت و روساخت از جمله ابتکارات اثر عرفانی است جهت عینی ساختن مسائل اخلاقی - عرفانی، بسط مفاهیم کلامی و دینی و تجربه‌های شخصی عرفانی بهره برده است و در این تمثیلها هدف از بیان روایت تبیین یا تاکید حالت و وضعیتی است که در ادبیات و جملات قبل و بعد مطرح شده بود و هدف شاعر از این روائی

بیان کردن انتقال معانی بود که در سه دسته شخصیت مطرح شده بود: الف: شخصیتهای دینی و بزرگان صوفیه. خضر: شخصیت خضر به عنوان یک راهنما و معلم معنوی، نمادی از خرد الهی و معرفت باطنی است. حضور خضر در داستان، نشان‌دهنده این است که دستیابی به حقیقت نیازمند راهنمایی‌های معنوی است. ب: تمثیلهایی که قهرمانان آنها شخصیتهای تاریخی بودن یا خود داستانها منشاء تاریخی دارند. پیران و خردمندان: شخصیتهای پیر و خردمند در داستان، نمادی از تجربه و دانش است. مشورت گرفتن از این شخصیت‌ها، نشان‌دهنده اهمیت کسب دانش از افراد آگاه و با تجربه است. این تمثیلی برای بیان و افکار عارفانه جامی است در جهت اثبات این نکته که انسان باید خودش را از توجه به خاکدان فانی برکنار دارد تا بتواند راه رستگاری و جاودانگی را بیابد. تمثیل حکیمی که از مردم کناره‌گیری کرد و با اسکندریه دیدن او در غار رفت و عاشق چهره نورانی او شد و سپس از او درخواست کرد که به شهر برگردد و اسکندر برای او زندگی خوب و راحتی برایش ایجاد کند. پیر گفت: به شرطی پیشنهاد تو را قبول می‌کنم که من را از دست مرگ رهائی دهی. اسکندر پذیرفت که قدرت بخشیدن زندگی جاودانه و بی‌مرگ را نمی‌تواند برای او ایجاد کند ج: تمثیلی که قهرمان آنها شخصیتهای عامیانه و ناشناخته بودند. خلیفه بسیار مشهوری بود که در حرمسرای خود یک کنیز زیبایی چهره‌ای داشت که به او علامند بود و وزیرش به او گفت: اگر میخواهی تا او را به خوابگاه تو بیاورم اما خلیفه بسیار مرد خردمندی بود و گفت: در شان خلیفه بزرگی که حاکم سرزمینهای زیادی هستم و همه تحت فرمان من هستند من تحت فرمان شهوت خود باشم و خود را برای شبی در برابر دختر نوجوانی خوار نمی‌کنم. د: دیوها و هیولاها: دیوها و هیولاهایی که اسکندر با آنها مواجه می‌شود، نمادی از نفس اماره و وسوسه‌های شیطانی است که انسان را از مسیر درست باز می‌دارد.

نتیجه:

تمثیل خرد در خردنامه اسکندری جامی، خرد مفهومی چندوجهی است که دارای دو سیر حکمی و عرفانی است و دارای کارکرد هدایتگری در جهت برقراری عدالت بیان شده است. این انواع خرد در تعامل با یکدیگر، یک شخصیت خردمند و کامل شاه آرمانی را شکل می‌دهند و به مخاطب آموزش می‌دهند که چگونه می‌تواند در مسیر کسب حکمت و دانش گام بردارد جامی با تلفیق ماهرانه مضامین اسطوره‌ای، آیینی و عرفانی، تمثیل خرد را در خردنامه اسکندری به سطحی عمیق و چندبعدی ارتقا داده است. او نشان می‌دهد که خرد، نه فقط یک ویژگی ذهنی، بلکه نوری الهی، راهنمای سلوک

معنوی، ابزار عشق و معرفت و راهی برای رسیدن به کمال است. علاوه براین، خرد، در خردنامه اسکندری جامی، مفهومی چندوجهی است که شامل ابعاد عملی، اخلاقی، نظری، عرفانی و سیاسی می‌شود. این انواع خرد در تعامل با یکدیگر، یک شخصیت خردمند و کامل را شکل می‌دهند و به مخاطب آموزش می‌دهند که چگونه می‌تواند در مسیر کسب حکمت و دانش گام بردارد.

منابع و مآخذ

- ارسطو، (۱۳۶۹)، درباره نفس، ترجمه علیمیراد داوودی، حکمت
- احمدی رکن آبادی و دیگران، (۱۳۹۹)، بررسی قصاید سنائی براساس نظریه «پیتربلاو»، ادبیات تطبیقی، شماره ۴، ۹۵-۱۱۱
- بویس، مری، (۱۳۷۴)، تاریخ کیش آیین زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، توس
- پارسا نسب، محمد (۱۳۸۸)، از عقل سنائی تا عقل ناصر خسرو، ادب و زبان فارسی، دوره جدید، ش. ۲۶، (پیاپی ۲۳)، ۸۷-۱۴
- پورنامداریان. تقی. (۱۳۷۵). رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی. تهران: علمی فرهنگی. ص ۲۵۴.
- تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۶۲)، برهان قاطع، ج ۲ به اهتمام محمد معین، تهران، موسسه امیرکبیر
- تفضلی، احمد (۱۳۸۵)، مینوی خرد، ترجمه ژاله آموزگار، توس
- تهامی، مرتضی (۱۳۹۷). شاه آرمانی و آرمانشهر. جستارهای تاریخی. سال نهم. شماره اول. ۴۲-۶۳.
- صلیبا، جمیلف (۱۳۶۶) فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی، حکمت
- دلپذیر، زهرا و دیگران (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی مفهوم خرد در اندرزه‌های دینکرد ششم و شاهنامه فردوسی، متن شناسی، دوره ۳۷، ۵۳-۵۵
- دیناری، فرهاد و دیگران (۱۳۹۸)، دگرگونی جایگاه و ارزش خرد از آثار حکما تا آثار عرفا، عرفان اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۹، ۸۷-۱۰۶
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). لغت نامه، تهران، موسسه لغتنامه دهخدا، چاپ دوم
- زرین کوب. عبدالحسین. (۱۳۷۸). بحر در کوزه. چاپ هشتم. تهران. عامی. ص ۲۵۱.
- کریمی، زهرا (۱۳۹۴)، زبان تمثیل یکی از ابعاد ایجاز قرآن، حریم دانش
- سودآور، ابوالعلاء، (۱۳۸۳) فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان، تهران: میرک، چ ۱. ص ۸۳
- فتوحی. محمود. (۱۳۸۹). بلاغت تصویر. تهران. سخن. ص ۲۴۸
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۳۷)، تصحیح آقای مرتضی - مدرس گیلانی، کتابفروشی سعدی
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۷)، تاریخ فلسفه غرب، تهران. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

محمدی، شکوفه و دیگران (۱۳۹۹) بازتاب مثل و تمثیل و کارکردهای آن در هزار و یکشب، نشریه سبکشناسی نظم و نثر فارسی، دوره ۱۳، شماره ۱۴، پیاپی ۵۰۸۷-۱۰۶

موسوی، کاظم، (۱۳۹۵)، پیوند خرد و اسطوره در شاهنامه، علمی فرهنگی

محمودی، عباس، (۱۳۹۳)، خرد سیاسی، نگاه معاصر

ناس، جان (۱۳۷۴)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم

وفائی، عباس و دیگران (۱۳۹۹)، بررسی جایگاه تجربه گر در نظام فکری اشراقی بر مبنای فرانش انذیشگانی (مطالعه موردی لغت موران و صفیر سیمرغ)، شماره ۵۹، ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، سال شانزدهم، ۲۹۶-۲۷۱

هرن، پاول و دیگران (۱۳۹۴)، فرهنگ ریشه شناسی فارسی، ترجمه و شواد فارسی و پهلوی از جلال خالقی مطلق، مهرافروز

Sources and references:

- Aristotle. (1990). *De Anima (On the Soul)*. Translated by Alimorad Davoudi. Hekmat
- Ahmadi Roknabadi et al., (2010), A Study of Sanai's Poems Based on the Theory of "Peter Bla," (In Persian)
- Bois, Mary, (1995), History of the Zoroastrian Religion, Translated by Homayoun Sanati-zadeh, Tehran, Toos
- Tabrizi, Mohammad Hossein bin Khalaf (1983), Burhan Qateh, Vol. 2, Edited by Mohammad Moin, Tehran, Amir Kabir Institute
- Tafazoli, Ahmad. (1385/2006). *Meyneh-ye Kherad*. Translated by Zhaleh Amouzegar. Toos
- Tohami, Morteza (2018). The Ideal King and Utopia. (In Persian)#
- Parsan-Sab, Mohammad (2009), From the Wisdom of Sanai to the Wisdom of Nasir Khosrow (in Persian)
- Saliba, Jamilov (2017) Philosophical Culture, Translated by Manouchehr Sanei, Hekmat
- Pournamdarian. Taqi. (2016). Secrets and Secret Stories in Persian Literature. Tehran: Cultural and Scientific.
- Delpaiz, Zahra et al. (2017). Comparative study of the concept of wisdom in the advice of Dinkard VI and Ferdowsi's Shahnameh#(In Persian)
- Dinari, Farhad and others (2019), The changing position and value of wisdom from the works of the wise to the works of the mystics#(In Persian)
- Dehkhoda, Ali Akbar, (1998). Dictionary, Tehran, Dehkhoda Dictionary Institute, second edition
- Zarin Koob. Abdolhossein. (1999). The sea in the jar. Eighth edition. Tehran. General.
- Karimi, Zahra (2015), The language of allegory is one of the dimensions of the brevity of the Quran, the boundary of knowledge

- Sudavar, Abu'l-Ala, (2004) The Yazidi Farah in the religion of the ancient kingdom of Iran, Tehran: Mirk
- Futohi. Mahmoud. (2009). The rhetoric of the image. Tehran. Speech
- Jami, Abdolrahman (1958), edited by Mr. Morteza-Modares Gilani, Saadi Bookstore
- Malekian, Mustafa (1998), History of Western Philosophy, Tehran. Office of Cooperation between Seminary and University
- Mohammadi, Shokoofeh and others (2019) Reflection of Parable and Allegory and Its Functions in One Thousand and One Nights, (In Persian)
- Mousavi, Kazem, (2016), The Link between Wisdom and Myth in Shahnameh, Scientific and Cultural
- Mahmoudi, Abbas, (2014), Political Wisdom, Contemporary Perspective#
- Nas, Jan (1995), Comprehensive History of Religions, translated by Ali Asghar Hekmat, Tehran, Islamic Revolution Education, 3rd edition
- Wafaei, Abbas et al. (2010), Examining the position of the experimenter in the Enlightenment intellectual system based on the meta-role of the Anizghani (case study of the word Moran and the word Safir Simorgh), (in Persian)
- Hearn, Paul et al. (2015), Dictionary of Persian Etymology, translation and Persian and Pahlavi translation of Jalal Khaleq Motlaq, Mehrafrooz

